

# تأثیر سبک زندگی اسلامی بر الگوهای رفتاری کارکنان پلیس با مردم

عبدالرضا ناظری<sup>۱</sup>، حسین سعیدی<sup>۲</sup>، عرفان صدیق بدری<sup>۳</sup>

## چکیده

دین اسلام که آموزه‌های آن به تمام ابعاد و زوایای زندگی انسان توجه داشته، و او را تا رسیدن به سعادت جاودان راهبری می‌کند، در سه سطح بینش، گرایش و کنش، الگوهایی را ارائه کرده است که براساس آن، می‌توان در فرهنگهای گوناگون بشری، سبک زندگی اسلامی را پایه‌ریزی کرد. در این پژوهش، کوشیده‌ایم بستری مناسب برای درک آموزه‌های اسلامی و الگوگیری از آنها فراهم آید. روش پژوهش حاضر روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد؛ بدین معنا که ابتدا شاخصه‌های رفتاری مورد بحث (خوشرویی و گفتار نیک، خوش اخلاقی، پرهیز از خشم و غضب، رعایت عدالت، و انصاف، صحت عمل، داشتن صداقت) از نگاه منابع دینی اسلام یعنی قرآن، سنت نبوی (ص) و احادیث ائمه (ع) تبیین و توضیح داده شده است. سپس با وظایف پلیسی که در قانون جمهوری اسلامی تصویب شده، تطبیق داده شده است. در نهایت تأثیر سبک زندگی اسلامی در وظایف کارکنان ناجا تحلیل و بررسی شده است. نتایج نشان داد که برای تعهد اخلاقی کارکنان ناجا، نیروها در درجه اول باید از افراد ملتزم به فرهنگ دینی جامعه جذب ناجا شوند. در درجه دوم کارکنان ناجا از نظر معیشتی و نیازهای زندگی تأمین شوند، تا احتیاج و نیاز، نیروهای متعهد را به خطا وا ندارد. در درجه سوم با تبیین آموزه‌های اخلاقی و انسانیت محور در محبوبیت و ترویج فرهنگ اسلامی تلاش شود، و در درجه آخر نظارت بر رفتارهای کارکنان، دقیقتر و جدیتر شود.

## واژگان کلیدی

الگوی رفتاری، سبک زندگی اسلامی، پلیس و مردم.



<sup>۱</sup> Nazeri.ab@yahoo.com

<sup>۱</sup> دکترای مدیریت بحران

<sup>۲</sup> @yahoo.com ۴۰۴۰ Saeed.hossein

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد حقوق جزا

<sup>۳</sup> Erfan.sediq@yahoo.com

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

سبک زندگی ترکیبی از الگوهای رفتاری و عاداتهای فردی است و شامل جنبه‌های مختلفی نظیر تغذیه، تحرک بدنی، فشار روانی، مصرف دخانیات و کیفیت خواب است که در پی فرایند اجتماعی شدن به وجود آمده است. منظور از الگوهای رفتاری، رفتار و واکنشهای قابل مشاهده از فرد در موقعیتهای متفاوت است که در این الگو به چهار نوع جدا تقسیم‌بندی می‌شود. همه افراد به نسبت‌های متفاوت از همه این تمایلات رفتاری برخوردار هستند؛ اما همواره میزان یک یا دو تمایل رفتاری در آنها بیشتر است که به آنها «سبکهای غالب رفتاری» گفته می‌شود. روش زندگی هر فرد به نوع نگرش وی به زندگی بستگی دارد؛ به عبارتی دیگر، جهان بینی هر شخص سبک زندگی وی را مشخص می‌کند.

دین اسلام به همه جنبه‌ها و ابعاد زندگی بشری توجه و برای آن برنامه و احکام و قوانین خاصی دارد؛ از این رو دین اسلام با ارائه الگوهای عملی و رفتاری، سبک زندگی خاصی را برای جامعه بشری ایجاد کرده است. مشکل اساسی در شناخت و معرفی الگوی اسلامی زندگی این است که به دلایلی چند، نگاهی جامع به آموزه‌های وحیانی مبذول نمی‌شود؛ چرا که یا اسلام‌شناسان اندک هستند یا برخی گمان می‌کنند برخی از مسائل اسلام برای زندگی بیابانی است و برای جامعه معاصر کارایی ندارد، یا بخشی از آموزه‌های آن، جزو امور ثابت نیست بلکه متغیراتی است که در چارچوب مقتضیات بیان شده است و می‌توان از آن چشم پوشید یا حتی اگر از ثابتات است می‌توان آن را تعطیل کرد تا زمینه فراهم آید. این نگاه گزینشی به آموزه‌های اسلامی موجب شده است که تاکنون الگوی کامل زندگی اسلامی ارائه نشود یا اگر ارائه شده باشد به کار گرفته نشود و با اما و اگرهای بسیار کنار گذاشته شود.

این در حالی است که اسلام به عنوان کاملترین و جامعترین دین از سوی خداوند به انسانهای هدیه شده است و هیچ‌گونه کم و کاستی برای تطبیق در هیچ عصر و زمانی ندارد؛ بلکه براساس فطری بودن آموزه‌های اسلامی و مطابقت با عقل و فطرت انسانی، توان عمل در همه زمانها و مکانها را داراست.

با ژرف اندیشی و دقت نگری در آموزه‌های دین اسلام می‌توان به مجموعه‌ای از الگوهای اخلاقی و عملی دست یافت که بستر مناسب ایجاد سبک زندگی سالم را در جامعه فراهم سازد. پلیس مسلمان، که حافظ جان، مال و ناموس دیگران است، بیشترین نیاز را به داشتن شیوه زندگی مناسب با قانون اسلامی دارد تا بتواند از عهده این امر خطیر برآید. سبک زندگی اسلامی در پلیس ویژگیهایی ایجاد می‌کند؛ از قبیل (صداقت، امانتداری و ...) که این ویژگیها در اعتماد مردم به آنها و ایجاد احساس امنیت و آرامش نقش مهمی دارد.

## ۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به نقش پلیس در برقراری امنیت و آرامش در جامعه، آموزه‌های اخلاقی دین اسلام با ارائه الگوهای رفتاری دینی در شکلگیری شخصیت‌های کارکنان ناجا تأثیر بسزایی دارد. شناخت الگوهای اسلامی برای ایجاد سبک زندگی اسلامی در ناجا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رفتار مأموران پلیس با مراجعان و مخاطبان خویش، اهمیت بسزایی در موفقیت پلیس در مأموریتها و نیز رعایت حقوق شهروندان و جلب رضایت مردم جامعه دارد؛ الگویی که براساس موازین شرعی و بر کتاب و سنت منطبق باشد؛ روابط مأموران پلیس و اعضای جامعه را سازمان دهد؛ پلیس و جامعه را به رستگاری و کمال برساند و در موفقیت پلیس در وظایف قانونی خود، نقش عمیق و گسترده‌ای داشته باشد.

## ۳. اهداف پژوهش

- بهبودی مستمر و اصلاح ساختار رفتاری کارکنان ناجا با اصول مبانی معنوی
- ارتقای فرهنگ تعاملات پلیسی با جامعه براساس سبک زندگی اسلامی

## ۴. ادبیات نظری

### ۴-۱. الگوی رفتاری

فرهنگ پلیسی نیازمند الگوهای رفتاری مناسب است که می‌باید از سوی رهبران و مسئولان جامعه ارائه و به کار گرفته شود تا به عنوان عادت دوم به شکل غیر ارادی از سوی همه افراد جامعه یا اکثریت آنان در آید. رفتار، عمل و واکنشهای قابل مشاهده از فرد در موقعیتهای متفاوت است که در این الگو به چهار نوع جدا تقسیم‌بندی می‌شود. همه افراد به نسبت‌های متفاوت از همه این تمایلات رفتاری برخوردار هستند؛ اما همواره میزان یک یا دو تمایل رفتاری در آنها بیشتر است که به آنها «سبکهای غالب رفتاری» گفته می‌شود. جامعه اسلامی نیازمند الگوهای رفتاری مبتنی بر فرهنگ اسلام و ارزشهای آن است. در این سبک زندگی باید‌ها و نبایدها بر اسلام مبتنی است که از همین دید باید توجه کرد. وقتی

ردابلی را در جامعه نداشته باشیم، دیگر شاهد خشونت و بی‌عدالتی نخواهیم بود. سبک زندگی اسلامی جامعه‌ای امن را ایجاد می‌کند و جامعه امن نیز در توسعه سبک زندگی و اختصاص فرصت‌های مناسب برای رشد انسانها را فراهم می‌آورد.

#### ۴-۲. دین و سبک زندگی

سبک زندگی هر کسی تحت تأثیر اهداف یا هدف غایی او است. هدف غایی و نهایی هر کسی به صورت طبیعی آداب متناسب با خود را بر فرد الزام می‌کند؛ یعنی الزامات رفتاری و انضباط خاصی را پدید می‌آورد؛ مثلاً کسی که می‌خواهد در رقابت سنگین علمی مانند کنکور شرکت کند، اگر در این هدف جدی باشد، آرایش فعالیت‌های خود را به تناسب آن تغییر می‌دهد؛ برای اینکه فکرش پراکنده نباشد، دغدغه‌های مزاحم را دور می‌کند؛ از خواندن روزنامه و رمان پرهیز می‌کند؛ برنامه غذایی خود را کنترل می‌کند؛ محیط آرامی را برای مطالعه انتخاب می‌کند؛ روابط خود را محدود می‌سازد. اکنون کسی را فرض کنید که هدفش در زندگی به دست آوردن لذت بیشتر است؛ مثلاً آن فرد روی موضوعاتی فکر نمی‌کند؛ از مشکلات مردم خبری نمی‌گیرد؛ ابزارهای سرگرمی و لذت‌جویی خود را تهیه می‌کند؛ در دعاها و درگیریها دخالت نمی‌کند و برخی از روابط را حذف می‌کند. کسی که تقرب به خدا و لقاء الله را هدف نهایی خود می‌بیند، همه شئون زندگی خود، از نماز و عبادت تا کسب و کار، تحصیل، تفریح، معاشرت، بهداشت، خوراک، معماری، هنر، سخن گفتن، تولید، مصرف، آراستگی ظاهری و امثال آن را در مسیر این هدف قرار می‌دهد؛ یعنی به همه جزئیات زندگی خود صبغه الهی می‌بخشد. مسلمان نه فقط در مسجد که در خانه، بازار، کلاس درس، مدرسه، محل کار و خیابان، نخست به رضای خدا می‌اندیشد. انسان مسلمان به طور طبیعی الگویی را، که بیشترین بندگی در آن آمیخته شده باشد و بیشترین هماهنگی را با دستیابی به قرب الهی داشته باشد در زندگی فردی و اجتماعی خود مطلوب می‌داند؛ مثلاً در انتخاب لباس و نوع پوشش به رضای خدا و تقویت صفت بندگی توجه می‌کند در حالی که انسان لذت‌جوی هوس‌پرست فقط به راحتی و لذت‌جویی خود توجه می‌کند و لباسی تنگ و تُنک یا ترکیبی از پوشیدگی و برهنگی را انتخاب می‌کند که بیشترین خیال‌انگیزی و التذاز را پدید آورد. اسلامی بودن آداب و توحیدی بودن شیوه زندگی به این معناست که سبک زندگی بتواند بستر ساز «عبودیت الهی» در حیات انسانی باشد. به گفته علامه طباطبایی ادب الهی، رفتار بر هیأت توحید است.

به این ترتیب آداب اسلامی عمدتاً آداب بندگی است؛ یعنی جلوه‌های ظاهری عبودیت و تصویر توحید در ظواهر انسان؛ از این رو است که مقام معظم رهبری، می‌فرماید:

توحید صرفاً یک نظریه فلسفی و فکری نیست؛ بلکه یک روش زندگی برای انسانها است؛ خدا را در زندگی خود حاکم کردن و دست قدرتهای گوناگون را کوتاه کردن. لایله إلا الله که پیام اصلی پیغمبر ما و همه پیغمبران است به معنای این است که در زندگی و در مسیر انسان و در انتخاب روشهای زندگی، قدرتهای طاغوتی و شیطانها نباید دخالت کنند. اگر توحید در زندگی جامعه بشری تحقق پیدا کند، دنیای بشر هم آباد خواهد شد؛ دنیایی در خدمت تکامل و تعالی حقیقی انسان (مجموعه بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲).

اگر ما به توحید اعتقاد داشته باشیم اما در عمل بدان ملتزم نباشیم و رسم بندگی را به جا نیاوریم به تعبیر شهید مطهری گرفتار نوعی ماتریالیسم اخلاقی و شرک عملی هستیم (مطهری، بی تا، ج ۱۵، ص ۳۵۳) یعنی عملمان موحدانه و غیب‌باورانه نیست و فاصله بین اعتقاد و عمل ما زیاد است.

#### ۵. وظایف پلیس (نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران)

با توجه به تصویب قانون نیروی انتظامی در تاریخ ۱۳۶۹/۰۴/۲۷ مأموریتها و وظایف ناجا در ماده ۴ این قانون به شرح ذیل است:

- مهمترین وظایف نیروی انتظامی استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی
- مقابله و مبارزه قاطع و مستمر با هرگونه خرابکاری، تروریسم، شورش و عوامل و حرکت‌هایی که مخل امنیت کشور باشد با همکاری وزارت اطلاعات
- تأمین امنیت برای برگزاری اجتماعات، تشکلهای، راهپیماییها و فعالیت‌های قانونی مجاز و ممانعت و جلوگیری از هرگونه تشکل و راهپیمایی و اجتماع غیر مجاز و مقابله با اغتشاش، بی نظمی و فعالیت‌های غیر مجاز
- اقدام لازم در زمینه کسب اخبار و اطلاعات در محدوده وظایف و همکاری با سایر سازمانها و یگانهای اطلاعاتی کشور در حدود وظایف آنها
- حراست از اماکن، تأسیسات، تجهیزات و تسهیلات طبقه بندی شده غیر نظامی و حفظ حریم آنها به استثنای موارد حساس و حیاتی به تشخیص شورای عالی امنیت ملی، حفاظت از مسئولان و شخصیت‌های داخلی و خارجی در سراسر کشور به استثنای داخل پادگانها و تأسیسات نظامی، مگر

در مواردی که بنا به تشخیص شورای عالی امنیت ملی، اصل انقلاب و یا دستاوردهای آن در معرض خطر باشد که به عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خواهد بود.

- جمع آوری سلاح و مهمات و تجهیزات غیر مجاز و صدور پروانه نگهداری و حمل سلاح شخصی و نظارت بر نگهداری و مصرف مجاز مواد ناریه با هماهنگی وزارت اطلاعات برابر طرحهای مصوب شورای امنیت کشور
- انجام وظایفی که طبق قانون بر عهده ناجا به عنوان ضابط قوه قضائیه محول شده از قبیل:
  - الف- مبارزه با مواد مخدر ب- مبارزه با قاچاق ج- مبارزه با منکرات و فساد د- پیشگیری از وقوع جرائم ه- کشف جرائم و- بازرسی و تحقیق ز- حفظ آثار و دلایل جرم ح- دستگیری متهمان و مجرمان و جلوگیری از فرار و اختفای آنها ط- اجرا و ابلاغ احکام قضایی
- امور مربوط به تشخیص هویت و کشف علمی جرائم
- مراقبت و کنترل از مرزهای جمهوری اسلامی ایران، اجرای معاهدات و پروتکل‌های مصوب مرزی و استیفای حقوق دولت و اتباع مرزنشین جمهوری اسلامی ایران در مرزها و محدوده انحصاری اقتصادی دریاها
- اجرای قوانین و مقررات مربوط به گذرنامه (بجز گذرنامه سیاسی و خدمت) و ورود و اقامت اتباع خارجی (با هماهنگی وزارت امور خارجه در مورد اتباع خارجی تحت پوشش دیپلماتیک) با هماهنگی وزارت اطلاعات (در مورد ورود و خروج و اقامت اتباع خارجی و صدور گذرنامه)
- اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی و امور توزیع و حفظ حریم راه‌های کشور
- اجرای قوانین و مقررات وظیفه عمومی
- نظارت بر اماکن عمومی و سایر امور مربوط به اماکن مذکور برابر مقررات مصوب
- همکاری با سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در مواقع لزوم و بنا به دستور
- همکاری با دبیرخانه پلیس بین الملل
- امور امدادی و مردم یاری در مواقع ضروری ضمن هماهنگی با مراجع ذی ربط
- تأمین و حفاظت تأسیسات، سربازخانه‌ها و قرارگاه‌های مربوط
- تأمین دفاع هوایی تأسیسات و نقاط حساس مربوط در حد برد سلاح ضد هوایی سازمانی با هماهنگی و کنترل عملیاتی نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران

● تلاش مداوم و مستمر در جهت حفظ و صیانت سازمان در زمینه‌های امنیتی

با توجه به این وظایف یکی از مصداقها را می‌توان اجرایی شدن فریضه امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه توسط پلیس دانست که این موضوع نیز توسط علما و مراجع مورد تأیید می‌باشد؛ به طور مثال از استفتایی که از آیت الله شبیری زنجانی شده است، معظم له بیان کردند :  
امر به معروف و نهی از منکر از فرائض مهم الهی است. وظیفه حکومت و آحاد مردم است تا در صورت تحقق شرایط، این واجب الهی را بپا دارند. باید دانست که امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتبی است که در فرض حصول مطلوب با مرتبه پایین‌تر، باید به آن اکتفا شود. برخی از مراتب امر به معروف که اگر توسط مردم انجام گیرد، موجب برهم خوردن نظم عمومی می‌شود، باید توسط حکومت اسلامی اجرا گردد. ناهی منکر باید منکر را بشناسد و با شیوه صحیح به آن اقدام کند و انجام این واجب مهم نباید به واسطه منکر دیگر باشد. انجام این فریضه الهی با شیوه‌ای که خود منکری بزرگ باشد و موجب آسیب دیدن باورها و اعتقادات مؤمنین به مسائل شرعی شود، یقیناً از معاصی کبیره است (سایت دفتر آیت الله شبیری زنجانی، بخش استفتائات).

## ۶. روش شناسی

روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است؛ به این معنا که ابتدا ویژگی‌های رفتاری مورد بحث (خوشرویی و گفتار نیک، خوش اخلاقی، پرهیز از خشم و غضب، رعایت عدالت و انصاف، صحت عمل، داشتن صداقت) از نگاه منابع دینی اسلام یعنی قرآن، سنت نبوی (ص) و احادیث ائمه (ع) تبیین شده است؛ سپس با وظایف پلیسی، که در قانون جمهوری اسلامی تصویب شده، تطبیق داده شده است. در نهایت تأثیر سبک زندگی اسلامی در وظایف کارکنان ناجا تحلیل و بررسی شده است.

## ۷. یافته‌ها

در این بخش از مقاله به مهمترین ویژگیهای رفتاری پلیس، که در تعامل با مردم و ارباب رجوع بیشتر نمود می‌یابد، پرداخته می‌شود. این ویژگیها از دید دین اسلام در سه مقوله قرآن، احادیث نبوی و احادیث ائمه واکاوی و بررسی، و با وظایف پلیسی مأموران ناجا مطابقت داده می‌شود تا با ارائه الگوهای رفتاری اسلامی متناسب با وظایف پلیسی، سبک زندگی اسلامی برای کارکنان ناجا تبیین شود.

## خوشرویی و گفتار نیک

گفتار و زبان هر کسی گویای شخصیت اوست؛ به قول سعدی علیه الرحمه

تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد

زبان یکی از فعالترین اعضای بدن آدمی است و به نمایندگی از همه اعضا با دیگران ارتباط برقرار می‌کند؛ پیمان می‌بندد؛ خرید و فروش می‌کند؛ می‌بخشد؛ جنگ و صلح راه می‌اندازد؛ ایمان و کفر او را برملا می‌سازد و ... به همین دلیل باید بدقت کنترل و تربیت شود تا به میانه‌روی و اعتدال عادت کند؛ به این معنی که جز در مواقع ضروری سخن نگوید و سخن حق و درست بگوید؛ ذکر بگوید؛ نصیحت کند؛ تعلیم دهد و تعلیم ببیند. از سوی دیگر، یاوه نپافد؛ دروغ نگوید؛ تهمت نزند؛ فتنه‌گری نکند؛ فحش و ناسزا نگوید؛ سخنان کفرآمیز و شرک آلود اظهار نکند و ... به تعبیر امیرالمؤمنین (ع): *الْعَاقِلُ مَنْ عَقَلَ لِسَانَهُ*. خردمند آن است که زبانش را در بند کشد؛ زیرا *اللِّسَانُ سَعِيٌّ اِنْ اُطْلِقَتْهُ عَقْرٌ* زبان، درنده‌ای است که اگر رهایش سازی، بگردد. مهمترین امر در سخن گفتن نیز رعایت اعتدال و نیز بجا سخن گفتن است؛ به این معنا که باید حکیمانه همراه با فصاحت و بلاغت سخن گفت تا مؤثر و کارآمد واقع شود: امام متقیان علی (ع) در این باره می‌فرماید: *اَلَاكْثَارُ يَزِلُّ الْحَكِيمُ وَ يَمَلُّ الْحَلِيمُ فَلَا تَكْثُرْ فَتَضْجُرُ وَ لَا تَفْرَطْ فَتُهِنُ*: زیاده‌گویی، حکیم را می‌لغزاند و حلیم را ملول می‌سازد؛ پس بسیار مگو که (دیگران را) دلگیر کنی و تفریط نکن که خوار شوی. هم‌چنین نباید موقع سخن گفتن بر سر دیگران فریاد کشید یا آن قدر آهسته سخن گفت که شنونده به زحمت بیفتد. در قرآن مجید می‌خوانیم که لقمان حکیم به فرزندش چنین نصیحت کرد: *وَ اَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ اِنْ اَنْكَرَ الْاَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ* (لقمان/ ۹): از صدایت بکاه؛ چرا که زشت‌ترین آهنگها صدای الاغ است.

خوشگویی و گفتار نیک رابطه‌ها را محکم و پیوندها را صمیمی‌تر و ارزش انسان و جوهر وجودی او را بروشنی بیان می‌کند. زبان تلخ و گزنده، مراجعان به پلیس را بدبین و ناامید می‌کند و بالعکس، زبان شیرین آنان را به پلیس خوش بین می‌کند و درد آنان را کاهش می‌دهد. رهبر معظم انقلاب خطاب به فرماندهان و کارکنان نیروهای مسلح فرموده است: در نیروهای مسلح، اهانت را ممنوع و ریشه کن کنید. هیچ کس به کس دیگر اهانت نکند؛ لذا با توجه به اهمیت گفتار نیک، مأموران پلیس اگر با زبان نرم و مؤدبانه با مراجعان برخورد کنند، مرهمی بر زخم آنان هستند و باعث حسن نیت و دید خوب نسبت به پلیس و نظام اسلامی می‌شود. به قول سعدی علیه الرحمه:

نگاهدار زبان تا به دوزخ نبرند که از زبان بدتر اندر جهان زبانی نیست (تهرانی، آفات زبان، ج ۱ ص ۳۵).

ماده ۷۹ آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح بیان می‌کند: رفتار، گفتار و مکاتبات پرسنل صرف نظر از مقام و درجه یا رتبه باید مؤدبانه باشد. در ماده ۱۱۶ بند ب عدم رعایت ادب، عدم رعایت سلسله مراتب و احترامات نظامی تخلف محسوب، و در مورد مرتکبین، تنبیهات پیش‌بینی شده اعمال می‌شود (آیین نامه انضباطی ن.م.ج.ا.۱).

هم‌چنین قانون جرائم نیروی مسلح درباره اهانت بیان می‌کند: هر نظامی حین خدمت یا در ارتباط با آن به مافوق خود اهانت نماید به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌گردد.

تبصره: در صورتی که اهانت وی مصداق قذف باشد به مجازات آن محکوم می‌شود (همان، ماده ۴۸).

لازم به ذکر است هر یک از فرماندهان و مسؤولان نظامی به افراد تحت امر خود اهانت و یا خارج از محدوده اختیارات فرماندهی و آیین نامه انضباطی آنان را تنبیه نماید به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌گردد (همان، ماده ۴۹).

## خوش اخلاقی و خوشرویی

یکی از ارزشهای مهم اخلاقی، که در اسلام به آن توجه زیادی شده، «خوشرویی و گشاده‌رویی» با مردم است. حضرت علی علیه السلام در توصیه‌های خود به کارگزاران خود، همیشه در خوشرویی و برخورد خوب با مردم سفارش می‌کردند «حسن خلق» گاه، کاربردی عام و فراگیر دارد

و همه کردار، گفتار و صفات نیکو را در برمی‌گیرد ولی بیشتر به معنای خاص و محدود یعنی نرم‌خویی، زیباگویی و خوش برخوردی به کار می‌رود. شخصی از امام صادق (ع) درباره حسن خلق توضیح خواست، آن حضرت در پاسخ فرمود:

(تَلَيْنُ جَنَاحَكَ وَ تُطَيِّبُ كَلَامَكَ وَ تَلْقَى أَخَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ) (کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۱۶۱): رفتارت را ملاطفت آمیز و سختت را پاکیزه کن و با خوشرویی برادرت را ملاقات کنی. این صفت زیبا در کلام آسمانی رسول اکرم (ص) به عنوان سنگین‌ترین عمل در ترازوی قیامت آمده است: ما يُوضَعُ فِي مِيزَانِ امْرِئٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْضَلُ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ (همان، ص ۱۶۱): روز قیامت در ترازوی (اعمال) شخص، چیزی برتر از خوشخویی قرار نمی‌گیرد. حضرت امیرالمومنین (ع) نیز آن را بهترین همنشین دانسته و فرموده است: حُسْنُ الْخُلُقِ خَيْرٌ قَرِينٍ (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵۳) و در سخن دیگری آن را سر رشته هر کار نیکی دانسته و فرموده است حُسْنُ الْخُلُقِ رَأْسُ كُلِّ بَرٍّ (خوانساری، ج ۳، ص ۳۹۳). امام خمینی (ره) در بخشی از سخنان خود در توصیه به قوای انتظامی می‌فرماید: «کاری نکنید که دل مردم را به دست بیاورید. پایگاه پیدا کنید در بین مردم. وقتی پایگاه پیدا کردید، خدا از شما راضی است، قدرت در دست شما باقی می‌ماند و مردم هم پشتیبان شما هستند.» (باقری، ۱۳۸۴، ص ۲۸۸).

امام صادق (ع) نیز اظهار می‌فرماید که زندگی بدون خوش خلقی، شیرین و گوارا نخواهد بود: لا عَيْشَ أَهْنَاءَ مِنْحُسْنِ الْخُلُقِ. خوش اخلاقی خوی زیبای انسانی است و در وجود هر کس صرف نظر از آیین و مرامش ممکن است یافت شود. با این وصف با شریعت مقدس الهی ارتباطی ناگسستگی دارد. پیام آوران خدا بدون استثنا خوشخو بوده‌اند (کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۱۵۶). خوش اخلاقی نه تنها علامت تدین است بلکه به تعبیر رهبر بزرگوار اسلام (ص)، نصف دین را تشکیل می‌دهد: حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. از سخن حضرت امام باقر (ع) نیز برمی‌آید که هر چه مؤمن خوشخوتر باشد، ایمانش کاملتر است: اِنْ اَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ اِيْمَانًا اَحْسَنُهُمْ خُلُقًا (همان، ۱۴۸). رسول گرامی اسلام (ص)، خوشخویی را هم ردیف تقوا دانسته و آن دو را قویترین عامل ورود به بهشت معرفی کرده است: اَكْثَرُ مَا تَلِجُ بِهِ اُمَّتِي الْجَنَّةَ؛ تَقْوَى اللّٰهِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ (همان، ۱۰۰): امت من، بیشتر به وسیله تقوا و خوش خلقی وارد بهشت می‌شوند. امام صادق (ع)، در سخنی، خوشخویی و سه فضیلت دیگر را کامل کننده ایمان دانسته و فرموده است: اَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيْهِ كَمَلَتْ اِيْمَانُهُ ... اَلصَّدْقُ وَ اَدَاءُ الْاَمْرِ اِنَّهُ وَ اَلْحَيَاءُ وَ حَسَنُ الْخُلُقِ (اصول کافی، ج ۳، ص ۱۵۷): چهار ویژگی اگر در کسی باشد، ایمانش کامل است: راستگویی، امانتداری، حیا و خوشخویی.

در رویارویی دو نفر با یکدیگر، پیش از هر سخن و عمل، دو صورت با هم روبه‌رو می‌شود. خوشرویی هم در نگاه مطرح است و هم در لب‌خند. وقتی مأمور پلیس با چهره بشاش و باز با مراجعه کننده‌ای روبه‌رو می‌شود در واقع کلید محبت و دوستی با پلیس را به دست او داده است؛ بالعکس، چهره اخمو و ابروهای گره خورده و صورت درهم و بسته، دریچه ارتباط و صمیمیت او را با پلیس می‌بندد. گشاده‌رویی در برخورد با مراجعان آنها را آماده‌تر می‌کند تا دل به پلیس بسپارند و بخوبی همکاری کنند؛ اگرچه شیوه عملکرد مأموران پلیس و چگونگی وظایف قانونی آنان در دفاع از مظلوم و خدمت به مردم نقش بسیار مهمی دارد، اخلاق و رفتار و برخورد مأموران پلیس با بزه دیدگان و بستگان آنان نیز حائز اهمیت است؛ به‌گونه‌ای که حتی اگر پلیس در وظایف نتواند بخوبی عمل کند، اگر اخلاق و رفتار خوبی داشته باشد تا حد زیادی موجب رضایتمندی مراجعان می‌شود.

کارکنان کلانتریها و پاسگاه‌ها و ادارات آگاهی با برخورد محبت آمیز همراه با بزه‌دیدگان، که به نوعی رفع گرفتاری و تظلم خواهی به پلیس مراجعه می‌کنند، بسیاری از ناراحتیهای آنها را تسکین می‌دهند و موجب رضایت آنان می‌شوند. حسن خلق و خوشرویی، مظاهر گوناگونی دارد؛ از قبیل کلام نرم، رفتار شایسته، گفتار مؤدبانه و جاذبه دار، حلم و بردباری و چهره بشاش.

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در مورد اخلاق پلیس می‌فرماید: «نیروی انتظامی مظهر سه چیز مهم باشد: اول دیانت و آنچه ناشی از دیانت است؛ مثل عفت و اخلاق نیک و اخلاق اسلامی (جاویدی، مجموع بیایات فرماندهی معظم کل قوا، ص ۸۹).

«رعایت اخلاق اسلامی و تقوا در میان عناصر نیروی انتظامی بسیار مهم است» (همان، ۲۶۸).

«تنها رعایتی که نیروی انتظامی باید بکند عبارت از رعایت قانون و رعایت اخلاق در اجرای قانون است. البته در اجرای قانون دو گونه می‌شود عمل کرد: یکی با بد اخلاقی و کج‌خلقی و عبوس بودن و تکبر و نخوت و امثال اینها؛ یکی هم با خوش اخلاقی و مهربانی؛ اما با قاطعیت. این نوع دوم باید معمول باشد. اعمال قاطعیت به اضافه اخلاق خوب» (همان، ۱۰).

در آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح بیان شده است: از هر گونه رفتار توهین‌آمیز باید جلوگیری شود (آیین‌نامه انضباطی ن.م.ج.ا. ماده ۱۱ بند الف).

«خشم و غضب» پیامدهای خطرناک و زینبار فراوانی دارد و به تعبیر امام صادق علیه السلام: **الْغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ** «خشم کلید هر شری است» (کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۴۱۲). شرارت خشم به آنجا می‌رسد که ایمان را خدشه‌دار می‌کند. رسول اکرم صلی الله می‌فرماید: **الْغَضَبُ يُفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ**: «خشم، ایمان را فاسد و تباه می‌کند؛ آن چنان که سرکه عسل را فاسد می‌کند» (همان).

خطر خشم و غضب، وقتی شدیدتر می‌شود که شخص خشمگین در موضع قدرت باشد و بتواند براحتهی خشم خود را ابراز، و نسبت به طرف مقابل اعمال کند و این حالت در مورد مأموران پلیس مصداق بارز دارد؛ یعنی آنان به دلایل موقعیت شغلی و قرار داشتن در موضع قدرت، اگر خشمگین شوند، پیامد آن شدیدتر و ناگوارتر خواهد بود. یکی از پیامدهای منفی خشم و غضب، تضییع حقوق مراجعان به پلیس بویژه افراد بزه دیده یا اقشار مستضعف و آسیب دیده جامعه است که معمولاً جرأت اعتراض و مقابله را ندارند. پیامد منفی دیگر، بدبین کردن مردم به مأموران و کاهش میزان همکاری آنان با پلیس است. خشم و غضب برای مأموران پلیس نیز آثار و پیامدهای منفی دارد. سلب آسایش و آرامش روحی مأمور، یکی از این پیامدها است. هنگامی که مأموری خشمگین می‌شود، کنترل گفتار و رفتار خود را از دست می‌دهد و در نتیجه مرتکب رفتاری می‌شود که برایش دردسر، ناراحتی، تلخی، زیان مالی و دهها نتیجه بد دیگر به دنبال دارد و پس از فرو نشستن خشم نیز دچار حسرت و پشیمانی می‌شود که این هم آزردهی روح و روان او را مضاعف می‌کند. مأمور در حالت خشم ممکن است هر کار زشتی را مرتکب شود؛ زیرا کنترلی بر رفتار خود ندارد؛ با خطاها و رفتار نادرستی که در حالت خشم دارد، معمولاً هم به دیگران آسیب وارد می‌کند و هم به خود. در حالت خشم ممکن است به مراجعان (اعم از شاکی، بستگان شاکی، شهود، متهمان) توهین کند؛ بر سرشان فریاد بکشد؛ خسارت مالی وارد کند؛ مرتکب ضرب و جرح و حتی در خشم شدید مرتکب قتل شود.

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) می‌فرماید: با مردم استان با خوش رفتاری برخورد کنید. آنان را با خوشرویی پذیرا باشید تا شیرینی این نعمت بزرگ در جان آنها بنشیند. در گذشته با این مردم با تلخی، بی‌اعتنایی و اهانت رفتار می‌شد. در نظام اسلامی، بخشهای مختلف باید دلپایشان را با مردم مهربان کنند (جاویدی، نیروی انتظامی مظهر اقتدار ملی، مجموعه سخنان فرماندهی کل قوا، ص ۲۲۵).

این رفتارهای نادرست، ضمن اینکه اقدامات قانونی (و در بعضی موارد غیرقانونی) طرف مقابل را به همراه دارد از نظر سنتهای الهی پیامد آن، دامنگیر فرد خواهد شد. برخی این پیامد در دنیا و برخی در جهان آخرت به سراغ آدمی خواهد آمد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: **الْغَضَبُ شَرٌّ أَنْ أَلْعَنَهُ دَمَرٌ**: «خشم شری است که اطاعت آن موجب ویرانی و از بین رفتن شما می‌شود» (آمدی، غرور الحکم، ص ۳۰۲) و در بخش دیگری می‌فرماید: **سَبَبُ الْعَطْبِ طَاعَةُ الْغَضَبِ**: «اطاعت از خشم، موجب هلاکت و نابودی می‌گردد» (همان منبع). پس آدمی در حد امکان باید از خشم و عصبانیت دوری کند تا از پیامد بد آن در امان باشد. برای پرهیز از خشم و غضب، می‌توان از این روشها استفاده کرد: اول اینکه پیشگیری کنید؛ یعنی خود را در معرض خشم قرار ندهید؛ زمینه‌ها و بسترهای آن را بخشکانید؛ مثلاً اگر از کسی ناراحت و خشمگین شده‌اید برای دقایق یا ساعاتی از روبه‌رو شدن با او پرهیز کنید تا خشمتان فروکش کند. دومین روش این است که اگر به هر دلیلی گرفتار خشم شدید، کمی آب بخورید. شاید به نظرتان اقدام ساده و کم‌اهمیتی تلقی شود؛ اما بدانید که تأثیر زیادی دارد. روش سوم این است که هرگاه خشمگین شدید، بنشینید. عمل نشستن، شدت خشم شما را کنترل، و از انجام کار نادرست تا حدودی جلوگیری می‌کند. چهارم اینکه صحنه و محل را برای دقایقی ترک کنید و به محیط دیگری بروید.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «جوانمرد کسی است که وقتی قدرت یابد درگذرد و ببخشد» (آمدی، عبدالواحد، غر الحکم، ص ۲۴۶). پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «حضرت موسی عرض کرد خدایا کدام یک از بندگان نزد تو محبوب‌ترند؟ فرمود کسی که هنگام قدرت عفو کند».

در فصل دوم آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح، که به اصول شرافت سربازی پرداخته، بیان شده است: من همواره نسبت به همکاران و هم‌زمان و عموم مسلمین، صمیمی و مهربان هستم و نسبت به دشمنان اسلام و ستمگران سختگیر و سازش ناپذیر خواهم بود (آیین نامه انضباطی ن.م.ج.ا. ماده ۱۴ بند م).

با اینکه گاهی ممکن است بزه دیده‌ای با بستگانش عصبانی شود و مطلب تندی بگوید یا توقع زیاد نابه‌جایی داشته باشد، مأمور پلیس نباید خشمگین و غضبناک شود و به دنبال انتقام و اعمال قدرت باشد؛ بلکه لازم است جوانمردی کند و با اینکه قدرت دارد از خشم و انتقام بپرهیزد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «خشم شر است؛ اگر از آن پیروی کنی تو را هلاک می‌کند. خشم دشمن توست؛ پس آن را مالک نفس خود مکن. خشم خردها را تباه و آدمی را از راه درست دور می‌کند. از خشم دوری کن که آتش سوزان است؛ از خشم بپرهیز؛ زیرا اول آن دیوانگی و آخرش پشیمانی است» (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۱).

به قول سعدی علیه الرحمه:

به تندی سبک دست بردن به تیغ به دندان برد پشت دست دریغ

خشم و غضب یکی از مهمترین ابراز شیطان برای تباه کردن انسان است. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «لشکر و سپاهی عظیم‌تر از زن و خشم برای شیطان وجود ندارد».

پس از اینکه حضرت نوح علیه السلام به قوم گنهکار خود نفرین کرد و طوفان همه آنها را از بین برد، شیطان نزد آن حضرت آمد و گفت: ای نوح تو برگردن من حقی داری که می‌خواهم آن را ادا کنم. نوح فرمود چه حقی؟! خیلی برایم سخت و ناگوار است که برگردن تو حقی داشته باشم! شیطان گفت: همین که تو بر قومت نفرین کردی و همه آنها به هلاکت رسیدند حقی است برگردن من؛ چرا که دیگر کسی نموده است تا او را همراه کنم و مدت‌ها راحت هستم تا وقتی نسل دیگری بیاید. حضرت نوح فرمود: حالا می‌خواهی چگونه جبرانی کنی؟ شیطان گفت: در سه مورد سخت مراقب من باش که در آنجا حضور فعال دارم. اول هنگامی که خشمگین می‌شوی. دوم هنگامی که قضاوت می‌کنی و سوم هنگامی که با زن نامحرمی تنها هستی و هیچ کس در آنجا نیست. پرهیز از خشم و غضب کار دشواری است؛ به همین دلیل پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «نیرومندترین شما کسی است که هنگام غضب بر خود تسلط داشته باشد» (پابنده، نهج الفصاحه، ص ۱۷۱).

### رعایت عدالت و انصاف

حضرت علی علیه السلام هدف تشکیل حکومت را بر پایی حق و عدل می‌داند که موجب بر پا شدن نشانه‌های دین و ظهور دینداری، اصلاح کارها، فراهم شدن امنیت و آسایش برای ستمدیدگان و عملی شدن قوانین الهی است. مأموران کلانتریها و پاسگاه‌ها باید در رسیدگی به پرونده‌ها، عدالت و انصاف را رعایت، و از جانبداری و حمایت بیجا و ناحق نسبت به یکی از طرفها پرهیز کنند. «انصاف» از روح گذشت و احترام به حقوق دیگران ناشی می‌شود. شخص منصف کسی است که برای دیگران حقوق برابر قائل باشد و مزایای زندگی را میان خود و مردم تقسیم کند و در مقام داوری، حقوق طرفین دعوا را به طور برابر رعایت کند (مهدوی کنی، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، ص ۵۷۱). براساس آیات قرآن کریم: **إِنَّا لِلَّهِ أُمِرْنَا بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ: «همانا خداوند (مردم را) به عدل و احسان... فرمان می‌دهد.» (۲- نحل / ۹۰).** و **إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى: «... هنگامی که سخن می‌گویند عدالت را رعایت کنید؛ هرچند در مورد خویشاوندان باشد» (انعام / ۱۵۲).** خداوند متعال می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوَالِدَ الَّذِينَ وَالَافُرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِ مَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدُوا وَأنتَلَّوْا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به طور جدی در پاسداری از عدالت برخیزید و برای خدا گواهی دهید؛ اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما یا پدر و مادر و یا نزدیکان شما باشد... اگر حق را تحریف، و یا از اظهار آن اعراض کنید، خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است» (نساء / ۱۳۵).** مأموران پلیس در رسیدگی به پرونده‌ها و شکایات مردم در معرض آزمایش الهی هستند. ممکن است در پرونده‌ای یکی از طرفین دعوا از دوستان و آشنایان و حتی بستگان پلیس باشد یا سفارش یا تلفنی برای جانبداری از یکی از طرفین دعوا به پلیس بشود. در اینجا پلیس در معرض آزمایش قرار دارد. آیا براساس حق و انصاف رسیدگی و تحقیق، و گزارش خود را تنظیم می‌کند یا از طرف مورد نظر، جانبداری می‌کند و حق را زیر پا می‌گذارد؟ آیا با دوست و آشنا و فرد سفارش شده و به گرمی برخورد و با طرف مقابل با خشونت و تندی رفتار می‌کند، یا براساس عدالت و انصاف برخورد می‌کند؟

همچنین ممکن است پلیس در پرونده‌ای متوجه شود که یکی از طرفین دعوا همان فردی است که قبلاً با او مشکل یا درگیری داشته است و نسبت به او کینه و دشمنی دارد؛ حال در اینجا آیا تسلیم وسوسه شیطان می‌شود که: «فرصت مناسبی است و از قدرت خود استفاده کن؛ با او تسویه حساب کن و پرونده را علیه او تنظیم کن یا با او برخورد خشن و تندی کن و او را بترسان یا بازداشت کن!» یا براساس عدل و انصاف برخورد و رسیدگی خواهد کرد؟

در این مورد خداوند متعال می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ لَأْتَعْدُوا غَدُولًا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (مائده / ۸): «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره قیام کننده برای خدا باشید و به عدالت گواهی دهید و هرگز دشمنی با قومی، شما را به خلاف عدالت نکشاند. به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیکتر است و از خداوند بترسید؛ همانا او به آنچه می‌کنید آگاه است» و در آیه دیگری می‌فرماید: **وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْتَ حَكُمُوا بِالْعَدْلِ: «... هرگاه میان مردم داوری می‌کنید، به عدل حکم کنید...» (نساء / ۵۸).****

حضرت علی (ع) در نامه خویش به یکی از کارگزاران حکومت می‌فرماید: «در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید» (نهج البلاغه، نامه ۵۱). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «همانا مؤمن کسی است که چون خشم کند، خشمش او را از مدار حق دور نکند» (کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۳۳۰). خداوند متعال به پیامبرش می‌فرماید: **فُلًّا مَّرْرَبِي بِالْقِسْطِ: «بگو پروردگرم شما را به عدل و درستی امر کرده است» (اعراف / ۲۹)** و در



آیه دیگر می‌فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ:» اگر دو طایفه از اهل ایمان با هم به قتل و دشمنی برخیزند... با حفظ عدالت میان آنها را صلح دهید و همیشه عدالت کنید که خدا اهل عدل و داد را بسیار دوست می‌دارد» (حجرات/ ۹).

در آموزه‌های اسلامی، قسط و عدل از بزرگترین فضیلت‌ها و واجبات، و حتی به‌عنوان یکی از اهداف رسالت پیامبران الهی برشمرده شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنى نَصْرُهُ هُوَ رُسُلُهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ:» «همانا ما پیامبران خود را با دلایل و معجزات فرستادیم و برایشان کتاب و کارزار و هم منافع بسیار بر مردم است؛ نیز برای حفظ عدالت آفریدیم...» (حدید/ ۲۵). در این مورد رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: کارهای گوناگون - مبارزه جنگ، سازندگی، توسعه - را برای قسط و عدل می‌خواهیم؛ برای اینکه در جامعه عدالت برقرار شود، همه بتوانند از خیرات جامعه استفاده بکنند و عده‌ای محروم و مظلوم واقع نشوند» (جاویدی، نیروی انتظامی مظهر اقتدار ملی، مجموعه سخنان فرماندهی کل قوا ص ۱۵۲). رعایت عدالت و انصاف ممکن است در ظاهر در برخی موارد به ضرر فرد باشد یا منافع مورد نظر او را تأمین نکند؛ اما واقعیت این گونه نیست؛ بلکه خداوند آن را جبران می‌کند؛ زیرا به تعبیر قرآن کریم: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ:» «خداوند اهل عدل و داد را بسیار دوست می‌دارد» (حجرات/ ۹). حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «انصاف برترین فضیلت‌ها است» و در جمله دیگری می‌فرماید: «هرکس با مردم با انصاف رفتار کند، خداوند بر عزتش بیفزاید».

### صحت عمل

از دیگر ویژگی‌های پلیس مسلمان در تعامل با مردم و مراجعان به ادارات پلیس، داشتن «صحت عمل» است. صحت عمل شامل موضوعات و مصداق‌های گوناگونی است؛ از جمله درستکاری، عزم و جدیت در کارها، حق‌گویی، حوصله و دقت در کارها، اجرای صحیح کارها، پرهیز از گزارش نادرست و خودداری از پوشاندن حقایق.

پلیس اسلامی در وظایف خود دقت، و از مسامحه و سهل‌انگاری بشدت پرهیز می‌کند. هرگونه کم‌دقتی و بی‌توجهی در مراحل مختلف رسیدگی به پرونده، اعم از حفظ صحنه جرم، بازدید صحنه جرم، جمع‌آوری دلایل و مدارک جرم، تکمیل پرونده، اجرای دقیق و کامل دستورهای مقام قضایی، ثبت حقایق، بدرقه متهم، توجه به دلایل و مدارک ارائه شده، گم نکردن پرونده یا اوراق آن و ثبت کامل اظهارات بزه دیده و شهود می‌تواند پیامد جبران ناپذیری را متوجه بزه‌دیدگان و مظلومان کند و موجب پایمال شدن حقوق آنان شود. در واقع از بین رفتن آثار و دلایل جرم، ثبت ناقص ویژگی‌های صحنه جرم، ناقص بودن بازجویی و تفتیش، فرار متهم، گم شدن پرونده یا اوراق آن، ثبت ناقص واقعیت، بی‌توجهی به دلایل بزه‌دیده یا شهود، ثبت ناقص اظهارات و... هر یک به تنهایی می‌تواند مسیر پرونده را منحرف کند و موجب تضییع حقوق بزه‌دیدگان شود. در نتیجه مردم مظلوم و ستم‌دیده را نسبت به پلیس، بدبین می‌کند و موجب خوشحالی مجرمان و ستمکاران می‌شود. بدیهی است با توجه به گستردگی و حساسیت مأموریت‌های پلیس و اهمیت هر یک از مراحل رسیدگی به پرونده‌های قضایی، دقت در کارها از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار است و مسئولیت مأموران پلیس را سنگین‌تر می‌کند؛ به همین دلیل رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) خطاب به مأموران پلیس می‌فرماید: «کارهایی که تأثیرات اجتماعی وسیعی دارد و در سطح کشور گسترده است و هم‌چنین دارای تأثیر در لایه‌های مختلف زندگی مردم است، دقت و مراقبت ویژه‌ای لازم دارد و کار شما از این قبیل است» (جاویدی، مجموعه بیانات فرماندهی کل قوا، ص ۲۲۶).

پلیس اسلامی براساس آموزه‌های دینی در فرایند رسیدگی به پرونده‌ها باید بدرستی عمل کند و حق بنویسد. پلیس با ایمان نه تنها در رسیدگی به پرونده‌ها، که طرفین آنها غریبه هستند به رعایت حق و عدالت ملزم است، بلکه موظف است در صورتی که یکی از طرفین دعوا، آشنا یا بستگان اوست یا حیثیت و منافع خودش در میان است، جانب حق را رعایت، و از طرفداری و یکجانبه‌نگری پرهیز کند. در این مورد حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) می‌فرماید: «مردم می‌خواهند نیروی انتظامی... سالم و ایمن باشد...» (جاویدی، نیروی انتظامی مظهر اقتدار ملی، ص ۲۵۰). معظم له در بخش دیگری خطاب به فرماندهان و کارکنان نیروی انتظامی می‌فرماید: «در درون نیرو به صحت عمل و درست کاری و امانت، حداکثر اهمیت را بدهید» (همان، ص ۱۱۱).

پلیس امین و درستکار، مایه افتخار اسلام، مسلمین، زینت ائمه معصومین علیهم السلام و ولی امر مسلمین است. پلیس اسلامی بر این باور است که هر یک از اعضای بدن در قیامت به عملکرد انسان شهادت می‌دهد و به تعبیر قرآن کریم: «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ:» روزی که زبانها و دستها و پاهایشان علیه آنان به آنچه انجام داده‌اند، گواهی می‌دهند» (نور/ ۲۴). کیفیت در کار، یکی از مسائل مهم است. هر کسی به میزان توانایی و امکاناتی که در اختیار دارد باید به کیفیت کارش توجه کند. وجدان کاری یعنی اینکه هر وظیفه‌ای را که بر عهده گرفته‌ایم به نیکوترین وجه به انجام رسانیم. اصولاً ارزش و قیمت هر فردی را با توجه به کیفیت کارش می‌توان سنجید.

امام علی (ع) در جمله‌ای که به گفته سید رضی ارزش آن به قدری است که با هیچ سخن دیگری قابل مقایسه نیست و به هیچ وجه قابل ارزشگذاری نیست، می‌فرماید: قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ؛ ارزش هر کسی به میزان کارهای نیکی است که انجام می‌دهد (نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۸۱۰).

پلیس اسلامی در وظایف قانونی خود باید صحت عمل داشته باشد به گونه‌ای که مورد توجه و دلگرمی افراد مظلوم و ستمدیده قرار گیرد و موجب ترس و یأس ظالمان و مفسدان شود. در این مورد رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای (مدظله العالی) خطاب به کارکنان نیروی انتظامی می‌فرماید: «کسی که اهل فساد است باید از شما بترسد. کسی که اهل رشوه دادن است باید از شما بترسد. کسی که اهل بی‌تقوایی است باید از شما بترسد. کسی که متقی است باید با دیدن شما، شاد و دلگرم و امیدوار شود» (جاویدی، نیروی انتظامی مظهر اقتدار ملی، ص ۱۳۴).

## داشتن صداقت

صداقت داشتن در کارها و پرهیز از دروغ از ویژگیهای مهم و اساسی پلیس دیندار است. رعایت ملاحظات پلیسی با صداقت در گفتار منافاتی ندارد. پلیس مسلمان در برخورد با مراجعان به کلانتریها و پاسگاه‌ها با آنان صادقانه رفتار می‌کند تا موجب بی‌اعتمادی مردم به پلیس نشود. عدم رعایت صداقت از سوی مأموران پلیس، نه تنها موجب کاهش اعتماد مردم می‌شود، بلکه سطح همکاری آنها را با پلیس کاهش می‌دهد. اسلام، هم از نظر سلبی با دروغ مبارزه کرده است و هم از نظر ایجابی و ترغیب به راستی. از نظر سلبی، راهنماییهایی برای ریشه کن کردن این ماده فساد کرده است. اکنون به طور مختصر و کوتاه به مبارزه اسلام با دروغ از نظر ایجابی و ترغیب به سوی راستی و درستی اشاره می‌شود. اسلام دینی است که برای دعوت به راستی و درستی آمده است و بس. در قرآن، آیه‌های بسیاری درباره راستی و راستگویی وجود دارد؛ برای نمونه:

● هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (مائده/۱۱۹): (این روزی است که راستان را راستیشان سود می‌بخشد؛ برای آنها بهشتی است که از زیر آنها نهرها روان است؛ جاودانه در آن باشند؛ خدا از آنها خشنود است و آنها از خدا خشنود؛ این کامیابی بزرگ است. قرآن در این آیه بهترین ارزشها و بالاترین پاداشها را برای راستگوییان بیان می‌کند.

● يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (توبه/۱۱۹) و در این آیه مسلمانان را به تقوا و به هم قدم بودن با راستگوییان، امر می‌کند.

● وَ قُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقٍ (اسراء/ ۸۰) و در این آیه به پیغمبر خود فرمان می‌دهد که راستی را در آغاز و انجام بخواهد.

پیغمبر اسلام، ملاک مسلمانی را راستی و درستی اعلام فرموده است. امام رضا (ع) به وسیله پدرانش، سخن جد بزرگوارش رسول خدا (ص) را چنین روایت می‌کند: «نگاه نکنید به نماز بسیار خواندن و روزه بی‌شمار گرفتن و حج فراوان رفتن و نیکی چندان کردن و شب را به ذکر زنده داشتن، ولی نگاه کنید به راستی در گفتار و درستی در امانتداری.»

از سخن امام جعفر صادق (ع)، که تفسیر فرمایش رسول است، استفاده می‌شود که عبادت بسیار، گواه ایمان کامل نیست؛ زیرا ممکن است بر اثر عادت باشد که اگر ترک عبادت کند ناراحت گردد.

فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ قَدْ أَعْتَادَهُ؛ فَلَوْ تَرَكَهُ إِسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ (کلینی، اصول کافی، ج ۳ ص ۱۶۲): پس نشانه ایمان کامل، همان راستگویی و درستکاری است.

باز هم امام صادق (ع) می‌فرماید: فریب نماز خواندن و روزه گرفتنشان را نخورید: لَا تَغْتَرُوا بِصَلَاتِهِمْ وَ لَابِصِيَامِهِمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ رُبَّمَا لَهْجٌ بِالصَّلَاةِ وَ الصُّومِ حَتَّى لَوْ تَرَكَهُ إِسْتَوْحَشَ. ولی آنها را در راستگویی و امانتداری آزمایش کنید وَلَكِنْ أَحْتَبَرُوا عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ إِدَاءِ الْأَمَانَةِ (همان).

باز هم امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید:

«خدا پیامبری نفرستاد مگر برای دعوت به راست گفتن و در امانت خیانت نکردن (همان).

مردی برای کسب فضیلت به حضور امام پنجم، محمد باقر (ع) شرفیاب می‌شود. حضرتش، این سخن را نخستین درس قرار می‌دهد:

«راستی را پیش از سخنگویی بیاموزید» (همان).

امام صادق (ع) برای یکی از دوستانش چنین پیام می‌فرستد:

«در نظر بگیر که علی، نزد رسول خدا بر اثر چه به این قرب و منزلت رسید؛ علی به این مقام نرسید، مگر بر اثر راستی و درستی» (کلینی،

اصول کافی، ج ۳ ص ۱۶۳).

از حدیث دیگر چنین استنباط می‌شود که درستی در کردار، معلول راستی در گفتار است؛ یعنی کسی که راستگو باشد، درستکار است.

امام ششم می‌فرماید: «مَنْ صَدَّقَ لِسَانَهُ زَكِيَّ عَمَلُهُ: (همان) کسی که زبانش راست بگوید، رفتارش پاکیزه خواهد بود - یا پاکیزه خواهد شد.» راستی کلید نیکی و خوبیها است. کسی که به این صفت عالی آراسته باشد و بتواند آن را نگهداری کند که شیطان از کفش نرباید به او مزه باید داد که به کردارهای نیک، آراسته است و یا آراسته خواهد شد و راستی، وی را به سر منزل نیکان خواهد رسانید. گفتار پاک از دل پاک ریشه می‌گیرد و به رفتار پاک بارور می‌شود؛ پس حقیقت سه کلمه‌ای را که می‌گویند از زردشت به جای مانده (گفتار نیک، رفتار نیک، پندار نیک) به یکی تحقق پیدا می‌کند و آن، همان گفتار نیک است؛ زیرا گفتار نیک از اندیشه نیک بر می‌خیزد؛ تا اندیشه نیک و پاکی دل نباشد، گفتار نیک پیدا نخواهد شد. گفتار نیک، رفتار نیک را ثمر می‌دهد؛ بلکه دل را هم نیک می‌کند. گفتار نیک، که دگران را نیک می‌کند، رفتار گوینده را هم نیک خواهد کرد و چگونه می‌شود در خود گوینده تأثیر نکند. راستگویی از عظمت روحی ریشه می‌گیرد. راستگو، نمایانند حقیقت خویش را بر خود عیب نمی‌داند و همان که هست خود را نشان می‌دهد. پاکی، درستی، بزرگواری، نقطه سیاهی نیست که آشکار شدنش ایجاد ناراحتی کند. او با کمال سربلندی می‌گوید نمی‌دانم و در پی یادگرفتن می‌رود. راستگو، دارای شخصیتی است که دروغگو فاقد آن است. راستگو، شجاعت و عظمت روحی دارد و از حقیقت بیمی ندارد. عظمت روح، عظمت موقعیت می‌آورد. راستگو، مورد اعتماد همه است؛ این خود بالاترین عظمتها است.

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «إِلَّا فَاصْدُقُوا فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّادِقِينَ: راست بگویید؛ چون خدا با راستگویان است.» این سخن، بالاترین مزه‌ها برای راستگویان است که خدا با آنها است؛ خدایی که بزرگ است، بی‌نیاز است، قدرتش بالاترین قدرتهاست، کرمش نامتناهی و نعمتش بی‌پایان است. هر ناتوانی چنین قدرتی با او باشد، تواناترین فرد خواهد بود. نیازمندی که خدای بی‌نیاز و کریم با او باشد، بی‌نیاز و توانگر خواهد بود. کسی که خدا با او باشد، چه غم دارد؛ زیرا چه کم دارد.

علی (ع) بدین وسیله ساده و آسان، راه خدا را با خود یار کردن نشان می‌دهد. خدا هم در قرآنش فرموده است «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ: (توبه / ۱۱۹) با راستگویان باشید.» علی (ع) خودش برترین فرد راستگویان است. هر کس خود را پیرو قرآن می‌داند، باید با علی (ع) باشد. اگر راستی و درستی در جهان حکومت کند و هدف رهبران بشر، یعنی فرستادگان خدا، جامه عمل ببوشد، جهان، بهشت برین خواهد شد و آسایش همگانی سرتاسر گیتی را فرا خواهد گرفت.

صداقت مأموران پلیس، هم در تعامل با مردم و هم در داخل ناجا و ارتباطات سازمانی، نقش مهمی دارد و موجب به بار نشستن زحمات پلیس می‌شود. در این مورد رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «حفظ نیروی انتظامی از فسادها و آلودگیها و لغزش افراد، یک وظیفه بسیار مهم است...» اگر خدای نکرده در بین این نیروی بزرگ، افرادی دچار بی‌امانتی، بی‌صداقتی و آلودگی شوند، همه این زحمات و این جمعیت زیاد و این کارهای شبانه‌روزی و این بی‌خوابیها از بین خواهد رفت» (جاویدی، نیروی انتظامی مظهر اقتدار ملی، ص ۱۹۰).

صداقت و راستگویی در پلیس از ویژگیهای مهم است و به همین دلیل در مسئله عدم صداقت مأموران، مجازاتهای سنگینی به کار گرفته می‌شود:

«هر نظامی به مناسبت وظیفه عمداً گزارشی بر خلاف واقع به فرماندهان یا دیگر مقامات مسئول تقدیم، و یا حقایق را کتمان کند و یا با سوءنیت گزارشی با تغییر ماهیت یا به طور ناقص ارائه دهد یا عمداً جرائم ارتكابی کارکنان تحت امر خود را به مقامات ذی صلاح گزارش ندهد و یا از گزارش آن جلوگیری کند یا گزارشها و جرائم را بموقع اعلام نکند به ترتیب زیر محکوم می‌شود:

الف- چنانچه اعمال فوق موجب شکست جبهه اسلام یا تلفات جانی گردد به مجازات محارب

ب- در صورتی که موضوع به امور جنگی یا مسائل امنیت داخلی یا خارجی مرتبط باشد به حبس از دو تا پنج سال

ج- در سایر موارد به استثنای مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود به حبس از سه ماه تا یک سال (قانون مجازات جرائم نیروهای

مسلح، فصل ۵، ماده ۷۸).

## ۸. نتیجه‌گیری

سبک زندگی اسلامی در پلیس ویژگیهایی ایجاد می‌کند؛ از قبیل حیا و پاکدامنی، شجاعت، مناعت طبع و... که این ویژگیها در اعتماد مردم به آنها و ایجاد احساس امنیت و آرامش نقش مهمی دارد. در صورت فراهم شدن بستر آن در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، پلیسی تشکیل می‌شود که دارای ویژگیهای اسلامی و مطابق با آموزه‌های شرع و فقه اسلامی است؛ لذا می‌توان به سؤال اصلی پژوهش، که آیا سبک زندگی اسلامی بر وظایف پلیس تأثیر دارد، پاسخ داد؛ زیرا حرکت پلیس مسلمان در مسیر مشخص شده است که توسط پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله) و ائمه معصومین (علیه السلام) به تشکیل سازمانی اخلاق محور کمک می‌کند. باید فهم دقیق و کلانی از آنچه هستیم، داشته باشیم. مقصود از فهم کلان این است که نوعی جمع‌بندی از دید کلی به دست آید. گاه در خیابانهای شهری بزرگ می‌چرخیم و گاه بر نقشه شهر اشراف می‌یابیم.

در موضوع سبک زندگی نیز فراوانی عوامل مؤثر و دخیل آنقدر زیاد است که اگر عمری در بررسی آن صرف کنیم باز عواملی از قلم خواهد افتاد. برای آشنایی با شهر چرخیدن در خیابانها تا حدی لازم و مفید است اما کسی که سودای تغییر در نقشه شهر دارد، نمی‌تواند عمر خود را صرف خیابانگردی کند. او به داشتن نقشه‌ای از بالا و فهم طرحی کلان از شهر نیازمند است. تحول در سبک زندگی حرکت به سمت مهندسی زندگی و ویرایش در لایه ظاهر آن است که نخست به صورت فعال‌سازی برخی حوزه‌ها و غیرفعال‌سازی برخی دیگر انجام می‌گیرد؛ مثلاً در برنامه انسان مؤمن برخی برنامه‌های عبادی مانند تلاوت روزانه قرآن کریم فعال، و کارهایی مانند لغو و سرگرمیهای بیهوده غیر فعال می‌شود. ویرایش دیگر تغییر آرایش برخی فعالیتها است؛ مثلاً در سبک زندگی مؤمنانه خواب اول شب و استفاده از فرصت زرین سحر جایگزین شب‌نشینی می‌شود. ویرایش سوم تنظیم نسبتها و تغییر ضریب فعالیتها است؛ مثلاً تحصیل دانش بویژه معرفت دینی در برنامه زندگی مؤمنان جایگاه والاتری می‌یابد و از حیث کمی و کیفی بر تلاشهای دنیوی مقدم می‌شود. ویرایش چهارم تغییر اولویت برخی از فعالیتها در مقاطع خاص است؛ مثلاً عبادت در ماه مبارک رمضان، رسیدگی به خانواده در فرصت فارغ تابستان و تحرک سیاسی بیشتر هر چهار سال یک بار مثلاً مقارن با انتخابات ریاست جمهوری اولویت ویژه خواهد یافت؛ به طور مثال پلیسی که دارای عزت و مناعت طبع باشد، هیچ گاه خود را با گرفتن رشوه آلوده گناه حرام خواری نمی‌کند و یا اگر فردی پاکدامن و چشم پاک باشد در دام مسائلی که مفسده اخلاقی دارد، گرفتار نمی‌شود و جامعه به او به عنوان امین جان، مال و ناموس خود نگاه می‌کند.

پلیس در نظام مقدس جمهوری اسلامی دارای وظایف و مأموریت‌های مختلف با ابعاد گسترده است که کارها به سازمانی با رویکرد جامعه محور با افرادی متخلق به سجایای دینی نیاز دارد.

در زمینه معنای زندگی نیز، اسلام در جهانبینی خود و تفسیری که از جهان ارائه می‌کند، به انسان می‌آموزد که از یکسو، هستی وی کاملاً به خداوند وابسته است و از سوی دیگر، زندگی او به زندگی دنیا منحصر نیست. بر این اساس، زندگی دنیا، وسیله و مقدمه رسیدن به سعادت اخروی به شمار می‌آید که باید از آن درست بهره‌برداری کرد. در این بینش ساختاری، ارتباط حوزه‌های گوناگون زندگی انسان با یکدیگر بخوبی ترسیم شده و گذشته، حال و آینده انسان، ساحتهای جسم و جان، مادی و معنوی، بینش، گرایش و کنش وی، و ارتباط آنها و تأثیر و تأثر هر یک بر دیگری، مورد توجه دقیق قرار گرفته است.

اسلام به عنوان کاملترین مکتب زندگی، جامعترین و در عین حال زیباترین سبک زندگی را نیز، که مطابق با خواست فطری بشر است، مطرح، و برای تمامی جزئیات زندگی فردی و اجتماعی براساس زیر بنای فطری و وجودی انسان دستورالعمل ارائه کرده است؛ از جمله این خواستها می‌توان به موارد سیمای ظاهر، چگونگی سکونت و محل آن، کار، خودرو، کالاهای مصرفی، خوراک، ارتباط زن و مرد، روابط اجتماعی و موارد بسیار دیگر اشاره کرد که همگی در مسیری هماهنگ شکل می‌گیرد. از آنجا که اسلام بر فطرت الهی انسان استوار است، این سبک زندگی نیز بر پایه فطرت است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۰). *غررالحکم*، ترجمه محمد علی انصاری با ویرایش و تصحیح مهدی انصاری قمی، انتشارات امام عصر (عج).
- آیت الله خامنه‌ای، سخنرانی موجود در سایت (۱۳۸۲/۷/۲).
- آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح، اداره کل پژوهش و تألیفات، ۱۳۸۲.
- باقری، محمد (۱۳۸۴). *دانش عمومی پلیس*، آموزش ناجا.
- تهرانی، مجتبی (۱۳۸۷). *اخلاق الهی، آفات زبان، تدوین و تحریر: بهمن شریف زاده*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جاویدی، مجتبی (۱۳۹۱). *نیروی انتظامی مظهر اقتدار ملی*، مجموعه بیانات فرماندهی معظم کل قوا، تهران: معاونت عقیدتی سیاسی ناجا.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۲۱۴۱ ه. ق). *وسایل الشیعه*، مسایل الشریعه، محقق علامه شعرانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، ۱۳۹۱، رهنما.

- کلینی (بی تا). اصول کافی (ج ۳ و ۴)، ترجمه سیدهاشم رسولی، تهران: انتشارات مسجد چهارده معصوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). مجموعه آثار فلسفه تاریخ، ج ۱۵.
- مهدوی کنی، محمد رضا (۱۳۸۴). نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- نوری، میرزا حسین (۱۳۶۳). مستدرک الوسایل، تهران: مؤسسه آل البیت.

